

بحث درباره یکی از مهم ترین مصادیق بدزبانی و بدگویی یعنی غیبت بود. بعد از اینکه حقیقت غیبت و چهره واقعی و باطنی غیبت را ذکر کردیم، گفتیم یکی از مهم ترین مباحث در باب غیبت، بررسی یا ذکر برخی از آثار مهم غیبت است. آثار غیبت برخی دنیوی و برخی اخروی است؛ آثار دنیوی غیبت هم برخی فردی و برخی اجتماعی است. آثار دنیوی فردی غیبت بر اساس روایات، مهم ترینش چندتا است؛ سه تا را عرض کردیم و گفتیم آدنی مرتبه الکفر دانسته شده است. دوم، دخول در ولایت شیطان و خروج از ولایت الهی است. سوم، محاربه با خداست.

۴. رسوایی

چهارمین اثر فردی در دنیا، رسوایی و مفتضح شدن است. برای هر کدام از اینها می شود روایات متعددی ذکر کرد، اما به یک روایت اکتفا می کنیم، چون بحث زیاد است. روایت این است: «عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) يَقُولُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يَا مَعْشَرَ مَنْ أَسْلَمَ بِلِسَانِهِ وَلَمْ يَخْلُصِ الْإِيمَانَ إِلَى قَلْبِهِ لَا تَذْمُوا الْمُسْلِمِينَ وَلَا تَتَّبِعُوا عَوْرَاتِهِمْ فَإِنَّهُ مَنْ تَتَّبَعَ اللَّهُ عَوْرَتَهُ وَمَنْ تَتَّبَعَ اللَّهُ تَعَالَى عَوْرَتَهُ يَفْضَحْهُ وَكَوْفِي جَوْفَ بَيْتِهِ». امام صادق (ع) از رسول گرامی اسلام (ص) نقل می کند که رسول خدا (ص) فرمود ای گروهی که به زبان اسلام آوردید لکن ایمان به قلب شما وارد نشده است، مسلمانان را سرزنش و مذمت نکنید؛ به دنبال امور مخفی و سری آنها نباشید، تجسس در امور مخفی و سری مسلمانان نکنید. یعنی اینکه دنبال این نباشید که اسرار یکدیگر و چیزهای خصوصی همدیگر را کشف کنید. کسی که دنبال عورات مسلمین برود، یعنی دنبال این باشد که یک مشکل و نقطه ضعفی و چیزی از او کشف کند، خدا به دنبال امور مخفی او خواهد افتاد؛ اینکه خدا دنبال این کار می افتد معنایش این نیست که خدا نداند. اگر مسلمانان دنبال امور مخفی و سری همدیگر می افتند، نمی دانند و می خواهند به لطایف الحیل آن را کشف کنند، ببینند این چه کار می کند، خانه چه کسی می رود، چه کاری دارد انجام می دهد. این تتبع العورات یک اثر قهری و وضعی دارد؛ اثر وضعی اش این است که خدا پیگیر خواهد شد. فرق خدا با بقیه این است که خدا دیگر نه عورات بلکه آنچه که در قلوب آنها هم می گذرد، آن خطورات قلبی اینها را هم می داند و نتیجه قهری تتبع عورات از طرف خداوند تبارک و تعالی این است که او را رسوا می کند ولو در نهان خانه زندگی اش باشد. رسوایی و افتضاح اثر مهم فردی غیبت است. کسی که دنبال عورات المسلمین می رود بالاخره می خواهد اینها را نقل کند و آبروریزی کند؛ و کسی که این کار را بکند خداوند او را رسوا می کند. به هر حال اگر یک درصد هم احتمال بدهیم که این حرف ها واقعیت دارد، خیلی باید روش زندگی مان عوض شود.

۵. رضایت غیبت شونده، شرط پذیرش توبه

اثر پنجم این است که توبه غیبت کننده جز با رضایت غیبت شونده پذیرفته نمی شود. کسی که خدای نکرده به یک نامحرم نگاه کرده و می گوید «استغفر الله ربی و اتوب الیه» و توبه واقعی می کند، تمام شود. اما توبه از غیبت جز با رضایت غیبت شونده حاصل نمی شود. در همین رابطه روایتی است از اباذر است که از پیامبر خدا (ص) نقل می کند: «يَا أَبَا ذَرٍّ إِيَّاكَ وَالْغَيْبَةَ فَإِنَّ الْغَيْبَةَ أَشَدُّ مِنَ الزُّنَا»، از غیبت بپرهیز؛ غیبت از زنا شدیدتر است. «قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ لِمَ ذَلِكَ بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي؟ قَالَ: لِأَنَّ

الرَّجُلَ يَزْنِي وَيَتُوبُ إِلَى اللَّهِ فَيَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِ وَالْغَيْبَةُ لَا تَغْفِرُ حَتَّى يَغْفِرَهَا صَاحِبُهَا»^۲ برای اینکه مردی که زنا می‌کند پس اگر توبه کند خدا هم توبه او را می‌پذیرد، اما غیبت بخشیده نمی‌شود مگر اینکه صاحب الغیبه و آن کسی که درباره او غیبت شده این شخص را ببخشد. پس پذیرش توبه غیبت کننده صرفاً منوط به بخشش غیبت شونده است. این نشان می‌دهد که این از مصادیق بارز حق الناس است؛ یک وقت فرضاً یک مالی را از کسی می‌گیرد، تا او رضایت ندهد که این فایده ندارد توبه کند؛ این هم حق الناس است؛ کسی که غیبت کسی را می‌کند جز با رضایت او توبه‌اش پذیرفته نمی‌شود.

۶. افنای حسنات

ششمین اثر از آثار فردی دنیوی غیبت، افنای حسنات است. غیبت، حسنات انسان را در همین دنیا از بین می‌برد. یعنی وقتی انسان از این دنیا می‌رود کأن با دست خالی می‌رود، تازه اگر گناه و معصیت دیگر در کارنامه عمل او نباشد. یعنی این در دنیا اعمال را نابود می‌کند و نتیجه این می‌شود که در آخرت پرونده‌اش خالی است. این حسنات خودش که نابود می‌شود هیچ، نابودی‌اش به این است که حسنات این می‌رود در پرونده آن کسی که دارد غیبتش را می‌کند. این روایت را دقت کنید: «عَنْ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: يُؤْتَى بِأَحَدٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُوقَفُ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَيُدْفَعُ إِلَيْهِ كِتَابُهُ»، روز قیامت یک کسی را می‌آورند در مقابل پروردگار متعال نگه می‌دارند و نامه اعمال و کتابش را به دست او می‌دهند. «فَلَا يَرَى حَسَنَاتِهِ»، می‌بیند که هیچ چیزی در آن نیست؛ می‌گوید این همه کارهای خوب کردم و این همه عبادات داشتم و این همه نیکی داشتم؛ هیچ چیزی در این کتاب نیست. «فَيَقُولُ إِلَهِي لَيْسَ هَذَا كِتَابِي فَإِنِّي لَأَرَى فِيهَا طَاعَتِي»، می‌گوید خدایا این نامه عمل من نیست؛ این کتاب من نیست. من این همه کار خوب در دنیا کرده‌ام ولی هیچ چیزی از آنها در اینجا منعکس نشده است. «فَقَالَ إِنَّ رَبَّكَ لَا يَضِلُّ وَلَا يَنْسَى»، خدا چیزی را گم نمی‌کند و فراموش نمی‌کند. بله، تو آن حسنات را انجام دادی و آن کارها را انجام دادی، «ذَهَبَ عَمَلُكَ بِاِغْتِيَابِ النَّاسِ»، همه اعمالت با غیبت کردن دیگران به باد رفت؛ برای همین است که پرونده‌ات خالی است. «ثُمَّ يُؤْتَى بِآخَرَ وَيُدْفَعُ إِلَيْهِ كِتَابُهُ»، آن وقت کسی دیگری را می‌آورند و نامه عملش را به او می‌دهند. «فَيَرَى فِيهَا طَاعَاتٍ كَثِيرَةً»، می‌بیند در این کتاب حسنات و عبادات بسیاری درج شده است؛ «فَيَقُولُ إِلَهِي مَا هَذَا كِتَابِي»، می‌گوید خدایا این کتاب من نیست، من می‌دانم که چه کرده‌ام، من این کارها را نکرده‌ام. «فَأِنِّي مَا عَمِلْتُ هَذِهِ الطَّاعَاتِ»، من این کارها را نکردم و این عبادات را انجام ندادم. «فَيَقُولُ إِنَّ فُلَانًا اغْتَابَكَ فَذَفَعَتْ حَسَنَاتُهُ إِلَيْكَ»^۳، فلانی غیبت تو را کرد و حسنات و طاعات او به تو داده شد. عجیب است که یک غیبت حسنات انسان را به این صورت نابود می‌کند؛ اینکه فرمودند سریع‌ترین چیز در از بین بردن دین و سوزاندن دین غیبت است، سریع‌تر از آتشی که یک چیزی را می‌سوزاند، برای همین است. دین و ایمان انسان را خراب می‌کند؛ حسنات گذشته انسان را هم نابود می‌کند.

این افنای حسنات چیزی است که در همین دنیا اتفاق می‌افتد و این اثر دنیوی است. اثر دنیوی که می‌گوییم یعنی اثری که در این دنیا اتفاق می‌افتد؛ دنیوی به معنای مادی نیست؛ منظور از آثار دنیوی فردی یعنی آثاری که در این دنیا متوجه شخص غیبت کننده می‌شود. شش اثر را بیان کردیم؛ اینکه أدنی مرتبة الکفر است؛ این در همین دنیاست. یعنی به هر حال در عالم دنیا

۲. امالی طوسی، ص ۵۳۷، مجلس ۱۹، ح ۱.

۳. جامع الاخبار، ص ۴۱۲، ص ۱۰.

به أدنی مرتبه الکفر می‌رسد؛ در این دنیا از ولایت خدا خارج می‌شود و داخل ولایت شیطان می‌شود. در این دنیا محاربه با خدا دارد می‌کند؛ در این دنیا رسوا می‌شود؛ در این دنیا توبه‌اش پذیرفته نمی‌شود تا مادامی که غیبت شونده راضی شود. آن وقت در همین دنیا حسناتش از بین می‌رود.

یک نمونه دیگر را عرض کنم؛ این روایت هم مربوط به همین مورد ششم می‌شود، امام صادق(ع) از رسول گرامی اسلام(ص) می‌فرماید: «وَقَالَ مَنْ اغْتَابَ امْرَأً مُسْلِمًا بَطَلَ صَوْمُهُ وَنَقِضَ وَضُوءُهُ وَجَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تَفُوحٌ مِنْ فِيهِ رَائِحَةٌ أَنْتَنُ مِنَ الْجِيفَةِ»^۴ می‌گوید کسی که غیبت یک مسلمانی را بکند، روزه‌اش باطل می‌شود و وضوی او نقض می‌شود و باطل می‌شود؛ حالا منظور از ابطال نماز و روزه نه اینکه غیبت کرد پس روزه‌اش باطل شده و می‌تواند افطار کند؛ یعنی این روزه و نماز دیگر ارزش ندارد؛ صورتی از نماز و روزه است. غیبت آن چنان مؤثر است که نماز و روزه انسان را به باد می‌دهد و باطل می‌کند.

واقعاً این چیزی که اینقدر آثار دارد در دنیا، روزه و نماز آدم را باطل می‌کند؛ حسنات انسان را از بین می‌برد و رسوا و مفتضح می‌کند، انسان را داخل در ولایت شیطان می‌کند؛ محاربه با خداست در حد ربا؛ ربا را هم می‌گویند محاربه با خداست و این از ربا هم شدیدتر است. روایت داریم که غیبت از زنا و ربا بدتر است؛ اینکه می‌گوییم شدیدتر از زنا و رباست، باز این روایت هم از پیامبر(ص) نقل شده ... اینها را مرحوم شیخ در مکاسب هم آورده است. «خَطَبَنَا رَسُولُ اللَّهِ(ص) فَذَكَرَ الرَّبَا وَاعْظَمَ شَأْنَهُ فَقَالَ: إِنَّ الدَّرْهَمَ يُصِيبُهُ الرَّجُلُ مِنَ الرَّبَا أَعْظَمُ عِنْدَ اللَّهِ فِي الْخَطِيئَةِ مِنْ سِتِّ وَثَلَاثِينَ زَنْبِيَةً»^۵. در ضمن یک خطبه‌ای پیامبر(ص) ربا را متذکر شدند و آن را آنقدر بزرگ شمردند و فرمودند یک درهم از ربا از ۳۶ زنا بزرگتر است. «وَإِنَّ أَرْبَى الرَّبَا عَرَضُ الرَّجُلِ الْمُسْلِمِ»، از ربا بالاتر عرض و آبروی مسلمان است؛ یعنی یک کسی که خدای نکرده برای بردن آبروی یک مسلمانی یک قدم بردارد، بزرگترین ربا را مرتکب شده است؛ ربایی که یک درهمش از ۳۶ زنا بالاتر و بزرگتر است. واقعاً اینها را یا جدی نمی‌گیریم یا یادمان رفته است. به هر حال خیلی سخت و تکان دهنده است که این چنین با مسأله غیبت و با این مصداق بارز بدگویی و بدزبانی با مسامحه و سهولت برخورد می‌کنیم. اعاذنا الله من شرور انفسنا.

یک سری آثار اجتماعی دارد که آن را هم یک اشاره‌ای می‌کنیم و بعد از آثار اخروی را بیان می‌کنیم. ما خیلی فشرده از این مطلب عبور می‌کنیم و گرنه بحث در این باره خیلی زیاد است. خداوند عاقبت همه ما را ختم به خیر بگرداند.

«والحمد لله رب العالمين»

۴. امالی صدوق، ص ۳۵۰، ح ۱؛ من لایحضر، ج ۴، ص ۸، ح ۱.